

اِشاره

از بحرانی که ترامپ یک سویی آن و کیم جونگ اون سوی دیگر آن است باید ترسید. مجموعه اخبار و گزارش‌ها گواه این مدعااست که بحران کره به سمت و سوی نامعلومی پیش می‌رود که ترامپ و کیم جونگ اون هر دو سرماضع خود ایستاده‌اند و تا کنون نشانی از عقب‌نشینی در مواضع دو طرف دیده نمی‌شود. برخی از تحلیل‌ها از قریب‌الوقوع بودن جنگ حکایت دارد اما در صورت وقوع جنگ سؤال این است که چه کسی برنده و چه کسی بازنده آن خواهد بود؟ و از همه مهم‌تر تبعات آن چه ضربه‌اول تمام سیستم‌نظامی کره شمالی را نابود کند یا کره خواهد توانست پیش، همزمان یا بعد از حمله آمریکا حمله ویرانگر خود را علیه کره جنوبی و ژاپن عملی سازد؟

سرویس خارجی

بیش از ۲ ماه از زمانی که «دونالد ترامپ» رسماً کار خود را در کاخ سفید به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا آغاز کرده است می‌گذرد. مجموعه اقدامات وی به خصوص در عرصه سیاست خارجی طی هفته‌های اخیر نشان از تغییر فاحش اهداف و سیاست‌های اعلامی با سیاست‌های اعمالی وی دارد. ترامپ در دوران مبارزات انتخاباتی خود روسای جمهور قبلی آمریکا را به خاطر مداخله نظامی در غرب آسیا سرزنش کرده و اعلام کرده بود ترجیح می‌دهد رئیس‌جمهور آمریکا باشد تا پلیس جهان. اما به محض اینکه وی و تیمش وارد کاخ سفید شدند سیاست‌های دیگری را در پیش گرفتند. وی در روزهای آغازین ورودش به کاخ سفید، طرحی را در دستور کار وزارت خارجه و دفاع قرار داد که ظرف ۹۰ روز یک منطقه امن در سوریه را ایجاد کند. طبق برآوردهای پنتاگون، برای ایجاد چنین منطقه‌ای به ۳۰هزار سرباز پیاده‌نظام در خطرناک‌ترین منطقه جهان نیاز است. اما اقدامات جدیدی که نشان از تغییر فاحش ترامپ قبل و بعد از ریاست جمهوری دارد حمله گسترده هوایی به پایگاه هوایی العشیرات سوریه،حمله با بزرگ‌ترین بمب غیراتمی به افغانستان و تشدید تنش با کره شمالی و افزایش خطر جنگ هسته‌ای در شبه جزیره کره است. در این‌ میان موضوع بحران کره شمالی و مجهز بودن این کشور به سلاح هسته‌ای و حضور چین در منطقه و در همسایگی آن شرایط ویژه‌ای به این بحران‌زده که آن را از یک بحران منطقه‌ای به یک بحران تمام عیار بین‌المللی تبدیل کرده است که نیازمند بذل توجه بیشتری است.

بحران کره، بحرانی قدیمی

بحران کره تبدیل به یکی از قدیمی‌ترین بحران‌های نظام بین‌الملل کنونی شده است. تقسیم کره به کره شمالی و جنوبی از پیروزی متفقین در جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۵ و پایان ۳۵ سال سلطه ژاپن بر کره نشأت گرفت. در طرحی که قریب به اتفاق کره‌ای‌ها با آن مخالف بودند. آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی اما توافق کردند که قیمومیت موقت کشور را از محل مدار ۳۸ درجه، برعهده گیرند. هدف از طرح قیمومیت کمک به ایجاد یک دولت موقت کره‌ای بود که «در موعدی مقرر مستقل و آزاد» شود اما اگرچه تاریخ برگزاری انتخابات

هم مشخص شده بود، شوروی از همکاری با برنامه‌های سازمان ملل متحد برای برگزاری انتخابات آزاد و عمومی در دو کره سر باز زد و در نتیجه آن، یک دولت کمونیست تحت حمایت شوروی بطور دائم در شمال تأسیس شد و به دنبال آن نیز یک دولت طرفدار غرب در جنوب تشکیل شد. دو دولت مجزا در کشور برقرار شد که هر یک مدعی زمامداری تمام شبه‌جزیره بودند.

تنش و بحران بین دو کره از زمان عقد قرارداد کره جنوبی با آمریکا تحت عنوان «دفاع متقابل جمهوری کره با آمریکا» تشدید شد و سرانجام به جنگ دو کره در سال ۱۹۵۰م منجر گردید. فرمانده نظامیان آمریکا در این جنگ «ژنرال داگلاس مک آرتور» بود که با از دست دادن ۵۰ هزار نیرو در جنگ جهانی دوم و در جنگ فیلیپین توانسته بود این کشور را اشغال کند، اما همین فرمانده در همان زمان که آمریکا با ژاپن درگیر بود و ژاپن مقاومت بی‌سابقه‌ای به نمایش گذاشته بود، نامه‌ای به «ترومن» رئیس‌جمهور وقت آمریکا نوشت که نشان از ضعف آمریکایی‌ها داشت. در این نامه آمده است: «اگر خواهان شکست ژاپن هستید دو راه دارید؛ اول اینکه مرگ ۷۵۰هزار تا یک میلیون سرباز آمریکایی و دوم بمباران اتمی ژاپن. وی در نامه خود قید کرده بود که در شرق آسیا انگیزه مدافعان خیره‌کننده است و تسلیم در قلموس آنها جایی ندارد.»نبرد مرگبار ژاپن و آمریکا در ماه اوت با بمباران شهرهای هیروشیما و ناکازاکی در جنگ جهانی دوم به پایان رسید.

از ادامه جنگ کسر، مکزاتور بار دیگر از آمریکا خواست با استفاده از بمب اتم به این نبرد خاتمه داده شود، اما «هری ترومن» رئیس‌جمهور وقت آمریکا می‌دانست که شرایط ابتدای دهه ۵۰ با ۱۹۴۵ یکی نیست؛ اتحاد جماهیر شوروی منظر یک اشتباه از ارتش آمریکا بود تا مستقیماً خود را درگیر نبردشبه جزیره کند. در این جنگ بمباران‌های هولناک و آتش بر حجم توپخانه‌ای نتوانست مانع حملات کره‌شمالی نشود. در ۱۹۵۱ «مکزاتور» جای خود را به ژنرال «ریجوی» داد و ارتش آمریکا به همراه ده‌ها کشور دیگر که به دعوت آمریکا به شبه جزیره کره آمده

بودند، بعد از سه سال جنگ بی‌حاصل سرانجام مجبور به متارکه جنگ شدند. در ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ پیمان آتش بس جنگ امضاء شد. در این جنگ تلفات نیروهای آمریکایی، ۵۴ هزار و ۲۴۶ کشته، ۱۰۲ هزار و ۲۸۴ زخمی و ۸۰هزار نفر مفقودالثر و اسیر بود. کره‌جنوبی ۷۴۰۰۰نفر کشته و ۱۵۰هزار زخمی و شمار کشته شدگان و زخمی‌های چینی به ۹۰۰هزار نفر و کره‌شمالی ۵۲۰هزار نفر بود.

از زمان پیمان آتش بس بین ۲ کره در سال ۱۹۵۳، بحران در شبه جزیره کره با شدت و ضعف ادامه داشته است. دو طرف بارها همدیگر را تهدید کرده اند، آمریکا و متحدانش بارها کره شمالی را با تهدیدات فوجی و با حضور چند جانبه و بین‌المللی قرار داده‌اند، بارها دو طرف در قالب مذاکرات ۶ جانبه و با حضور سازمان ملل گفت‌وگو کرده‌اند، بارها کره شمالی سلاح‌های متعارف و نامتعارف خود را آزمایش کرده است اما هرگز این تنش‌ها پایان نیافته است.

چه چیزی تغییر کرده ؟

اما سؤال اینجاست که در بحران کره چه چیزی تغییر کرده که چنین آن را گسترش داده و به وضعیت کنونی رسانده است به طوری که رسانه‌ها از خطر قریب الوقوع شروع یک جنگ خانمان سوز خبر می‌دهند؟ به نظر می‌رسد، متغیری که در این بحران تغییر کرده، روی کار آمدن فردی با مختصات منقل خواهد شد که وی می‌تواند هر کاری بایستد قطعاً وی عقب‌نشینی خواهد کرد. درصورتی که مقابل کره شمالی ایستاده نشود، این پیام اشتباه به «کیم جونگ اون» اگر در حدانه ۱۱ سپتامبر به جای پوش شخص دیگری در کاخ سفید حضور داشت، شاید جنگ عراق و افغانستان اتفاق نمی‌افتاد یا اگر در بحران موشکی کوبا به جای «خروشچف» و «کندی» افراد دیگری در مسکو و واشنگتن بر سر کار بودند بحران موشکی کوبا احتمالاً سمت و سوی دیگری به خود می‌گرفت. در دو سوی بحران کره «کیم جونگ اون» و «ترامپ»



اشتباه محاسباتی و عدم دسترسی به اطلاعات شفاف و دقیق از سوی آمریکا در مورد کره شمالی ممکن است این بحران را به نقطه برگشت ناپذیر برساند.

د

قرار دارند که هر دو نشان داده‌اند زیاد در قید و بند ارزیابی‌های عقلانیت‌بزاری متعارف خود را محصور نمی‌کنند. از سوی دیگر باید نقش «اشتباه محاسباتی» را در تشدید بحران‌ها و شروع جنگ‌ها از نظر دور داشت. کسی به درستی نمی‌داند در ذهن «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی چه می‌گذرد اما احتمالاً وی به گزاره‌های زیر باور دارد:

۱. کره شمالی یک قدرت اتمی است و به مرحله بازدارندگی رسیده است و لذا آمریکا نمی‌تواند به این کشور حمله کند چرا که زمان برای آمریکا برای شروع یک جنگ دیگر دیر شده است. کره شمالی بعد از حمله آمریکا به سوریه نیز اعلام کرد «حمله موشکی این کشور به سوریه» یک میلیون بار دیگر ثابت کرد «که پیونگ یانگ در پیگیری برنامه نظامی هسته‌ای خود محق بوده است و اگر سوریه سلاح هسته‌ای داشت آمریکا به این کشور حمله نمی‌کرد.»

۲. ریسک جنگ به لحاظ تلفات گسترده و بروز فاجعه انسانی در کره جنوبی و ژاپن بالا بوده و آمریکا هرگز به این ریسک تن نخواهد داد.
۳. آمریکا درگیر مشکلات عدیده اقتصادی و سیاسی است و در این شرایط و با وجود بدهی چند تریلیون دلاری قادر به شروع یک جنگ جدید در منطقه نیست.
۴. ترامپ با شعار ضد جنگ رای مردم آمریکا را به دست آورده است و در این شرایط عقلانی نیست که بر طبل جنگ با یک قدرت اتمی بکوبد.
۵. چین متحد نزدیک کره شمالی است و یکن به آمریکا هرگز اجازه نمی‌دهد به کره حمله کند.

در نقطه مقابل نیز ترامپ و تیم وی

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir

بحران کره به کجا می‌رود؟

پیروز جنگ تازه در شبه جزیره کره کیست «ترامپ» یا «اون»؟

سیدمحمد امین آبادی



جنگ کره در صورت شروع برنده‌ای نخواهد داشت و تاوان آن را ملت دو کره و ژاپن خواهند داد.

ترامپ و کیم جونگ اون هر دو سر مواضع خود ایستاده‌اند و تا کنون نشانی از عقب نشینی در مواضع دو طرف دیده نمی‌شود.

دو طرف عدم قطعیت در تحلیل‌هاست به عبارت دیگر حل یک بحران که متغیرهای زیاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر آن تأثیر می‌گذارد و همواره اهمیت و شدت و ضعف این متغیرها جابه جا می‌شود با حل یک مسئله ریاضی که پاسخ‌ها با قطعیت تمام مشخص می‌شود فرق زیادی دارد و کافی است یکی از طرف‌ها در ارزیابی یکی از فاکتورها یا وزنی که به آن فاکتور در حل و فصل بحران قائل می‌شود دچار اشتباه شود در نتیجه بحران به سمت نقطه بی‌بازگشت حرکت کند.

اما سؤال دیگری که در این میان مطرح است این است که چرا ترامپ به دنبال تشدید بحران در شبه جزیره کره است؟ آیا اقدامات کره شمالی باعث این روند شده یا خود ترامپ نیز بی‌تعمیل به این وضع نیست و اگر این تحلیل درست است دلایل آن کدام است؟ کارشناسان روزهای گذشته تحلیل‌های گوناگونی را از سیاست خارجی جدید ترامپ در شبه جزیره کره ارائه کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. اقدامات ترامپ در سوریه، افغانستان و حالا در کره گواه این مدعااست که وی در سیاست خارجی خود فاقد راهبرد مشخص است و اقداماتش از خط و مشی خاصی پیروی نمی‌کند لذا قادر به پیش‌بینی رفتارهای بعدی وی نیستیم. ممکن است به یک مصالحه سیاسی تن دهد یا به یک جنگ محدود یا تمام عیار با کره وارد شود.
۲. ترامپ در دوره جدید چین را دشمن شماره یک آمریکا می‌داند و با تشدید بحران در شبه جزیره کره می‌خواهد حضور نظامی خود را در منطقه به بهانه کنترل کره و در اصل با هدف مهار چین گسترش دهد و بر



اعزام ناو هواپیمابر آمریکا به آب های کره

همین اساس آمریکا به دنبال حل و فصل بحران کره نیست بلکه می‌خواهد وضعیت را به همین شکل بی‌ثبات نگه دارد تا هم اتحاد کشورهای منطقه با خود را به دلیل ترس از کره و چین تقویت کند و هم تا آنجا که می‌تواند حضور خود را تقویت کرده و چین را تحت فشار قرار دهد.
۳. تشدید فشارها به کره شمالی و عقب‌نشینی احتمالی پیونگ یانگ در مقابل ترامپ و با نشان دادن جدیت ترامپ در مقابل رهبر کره این پیام را به سایر دشمنان آمریکا

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۶
شماره ۲۱۶۰۲ رجب۱۴۳۸ - شماره ۲۱۶۰۲

ناپذیر انسانی و محیط زیستی نیز خواهد داشت را چه خواهد کرد؟

موضع چین

بسیاری از کارشناسان معتقدند کره شمالی حیاط خلوت چین است، و آمریکا برای هر اقدامی باید ملاحظات چین را نیز در این منطقه لحاظ کند. بر همین اساس نباید فراموش کرد که در جنگ کره بیش از ۹۰۰هزار سرباز چینی کشته شدند و مرز حائل دو کره به خون چینی‌ها آغشته است، لذا چین به سادگی از کنار این موضوع نخواهد گذشت.

بنابر این تصور بر این است که چین اجازه نمی‌دهد علیه کره شمالی عملیاتی انجام شود. کنترل کره شمالی فقط از طریق چین امکان پذیر است. آمریکا باید امتیازاتی به چین دهد تا این کشور از نفوذ خود بر کره شمالی استفاده کند و رفتارهایی سیاسی حاکمان

کره شمالی را معتدل نماید. آمریکا به هیچ عنوان نمی‌تواند بدون همراهی چین به این کار دست بزند.بر اساس این تحلیل بحران کره زمانی حل و فصل خواهد شد که در چین تغییرات اساسی و ساختاری بزرگی ایجاد شود. همان‌گونه که دیوار برلین پس از فروپاشی شوروی سابق فروریخت تغییر در کره شمالی نیز به تغییر در چین وابسته است. تا زمانی که چین یک حکومت کمونیستی است حتما اجازه بیکپارچگی شبه جزیره کره و هر اتفاق یکجانبه انجام داد و برخی دیگر از طریق سازمان ملل قابل اجرا خواهد بود.گزینه‌های اقتصادی آمریکا شامل تحریم فروش نفت به کره شمالی، تحریم جهانی شرکت هواپیمایی کره شمالی، و رهگیری کشتی‌های کره‌ای و مجازات بانک‌های چینی است که با کره شمالی همچنان همکاری می‌کنند.سازمان ملل ممکن است محدودیت‌های بیشتری را علیه صادرات زغال سنگ کره شمالی اعمال کند. ممنوعیت صادرات غذاهای دریایی کره شمالی نیز از دیگر گزینه‌ها به شمار می‌رود.

اما به نظر می‌رسد ترامپ و تیم وی به دنبال راهبرد دیگری غیراز تحریم‌ها هستند، چرا که تحریم‌ها تاکنون نشان داده‌اند که قادر به شکست دادن پیونگ‌یانگ نیستند.

تهدیدات گسترده مقامات آمریکایی، اعزام ناوگان جنگی به آبهای کره،حضور معاون ترامپ در منطقه مرزی با کره شمالی، آماده‌باش در ژاپن و کره، آماده باش جنگنده‌های آمریکا در پایگاه دریایی «گوام» و … همه این اقدامات لاقفل در ظاهر نشان می‌دهد که عزم آمریکا برای مقابله با کره شمالی است اما سؤال این است که آیا رهبر کره شمالی نیز این تهدید را جدی می‌گیرد؟ در این میان سنسوالی کسه ترامپ باید



برخی کارشناسان معتقدند زمان برای آمریکا برای شروع جنگ با کره شمالی دیگر دیر شده چرا که کره حالا دیگر یک قدرت هسته‌ای است.

د

به وضوح برای آن جوابی داشته باشد این است که تا کجا در تهدید کره شمالی پیش خواهد رفت و آیا در این مسیر انگیزه‌ای برای دست‌زدن به اقدام نظامی را دارد یا خیر؟
داشته‌های نظامی کره
آمریکا به خوبی می‌داند که کره دارای ۱۰ الی ۲۰ کلاهک هسته‌ای است. نزدیک به ۷۰۰ هواپیمای جنگنده دارد، بیش از یک میلیون سرباز آماده به جنگ و ۲ میلیون سرباز ذخیره دارد که چیزی برای از دست دادن ندارند. این کشور ۴۰۰۰ توپ دارد که می‌تواند از آنها استفاده کند، ۱۰۰۰ موشک دارد که به راحتی شهرهای کره و ژاپن را می‌تواند هدف قرار دهد. لذا با توجه به این اطلاعات، آمریکا کار راحتی در پیش نخواهد داشت. آمریکا چون اطلاعات دقیقی از این کشور که جان میلیون‌ها نفر را بگیرد.» «پانه‌ای توانمندی‌ها ندارد، نمی‌تواند به محاسباتش اعتماد کند.

آمریکا در این مسیر از توان نظامی خود، کره جنوبی، ژاپن و همچنین کشورهای ناتو بهره خواهد گرفت و در حمله اول شاید هزاران موشک به مراکز نظامی و تصمیم‌گیری کره شلیک کند، اما سؤال دیگری که ترامپ باید به وضوح از مشاورانش بپرسد این است که آیا این حمله موثر خواهد بود یا خیر؟

آیا کره قابلیت این را دارد که بعد از این حمله یا همزمان با آن ستول و سایر شهرهای کره جنوبی و ژاپن را که در فاصله کمتر از ۵۰ کیلومتری از مرز کره شمالی قرار دارد، هدف قرار دهد؟ آیا ۳۷ هزار سرباز آمریکایی مستقر در مرز کره به همراه ارتش ۷۰۰ هزار نفری کره جنوبی قادر خواهند بود جلوی ارتش یک میلیون نفری کره شمالی را بگیرند؟ در این میان خطر انفجار بمب‌های هسته‌ای کره شمالی و تشکیل یک ابر اتمی بر فراز شبه جزیره کره که صدمات بسیار شدید و جبران